

گرامی باد روز جهانی کارگر

پیش بسوی اتحاد عمل های هرچه گسترده تر



دوستان کارگر ، هم طبقه ای ها تاریخ مبارزات خود را چراغ مبارزات آینده قرار بدهیم. طی دو بیست سال مبارزه طبقه جهانی کارگر، همچنین طی صد سال تاریخ مبارزه طبقه کارگر ایران بخصوص در دروه ۳۳ ساله ای که هنوز ادامه دارد ما پیروزی و شکست ، افت و خیز های بسیاری داشتیم. بیاید در مدت چند روز مانده به اول ماه می و حتی پس از آن، ضمن برگزاری حتمی مراسم های روز جهانی کارگر با هر توان و در هر مکان ممکن، به صورت هر چه

متحدتر، این روز پر شکوه تاریخی که نمود همبستگی جهانی کارگران است، نقاط قوت و ضعف خود را بدقت مورد نقد و بررسی قرار بدهیم. بخصوص نقد و بررسی روند مبارزات ده سال اخیر ایران می تواند به روشنی معضلات و موانع پیش روی رشد مبارزات و کسب پیروزی برای ما را نشان بدهد، در این صورت است که می توانیم راه حل های برای بر طرف کردن موانع پیدا کنیم. از خود پرسیم سندی کاهایی کارگران شرکت واحد و هفت تپه با شروع بسیار خوب و قدرت مند چرا نتوانستند دست آوردهای ماندگار کسب کنند؟ از خود پرسیم علی رغم اعتصابات گسترده و دامنه دار فرش البرز، لاستیک کیان تایر ، لاستیک دنا، شرکت های پتروشیمی ، لوله سازی و نورد های ساوه و اهواز و آبادان ، کارگران شرکت های مشغول در عسلویه ، کارخانه های ریسندگی و بافندگی در کاشان ، قزوین و سنندج و کرمانشاه، اعتصابات کارگران صنایع فلزی و قطعات فولادی تهران و نوب آهن های اصفهان و اردبیل و صدها و صدهای دیگر چرا به خواسته های خود دست نمی یابند؟

دوستان می دانید طی ده سال گذشته برای بدست آوردن مطالبات ریز و درشت خود هزاران بار اعتصاب کردیم، صدها بار تظاهرات کردیم، دهها بار جاده ها را بستیم، صدها بار در مقابل مجلس ، ریاست جمهوری ، بخشداری ، استانداری ، وزارت کار ، مقابل دفاتر شرکتها و کارخانه ها تحصن کردیم. اما آنچه گیرمان آمد پیروزی اندکی بود و لی ادامه اخراجها ، تعویق بیشتر دستمزد ها ، کمتر و کمتر شدن ارزش و قدرت خرید دستمزدها بود و گسترش هر چه بیشتر استثمار ، افزایش سرکوبها و جلوگیری از ایجاد تشکل کارگری بوده است . در مقابل مبارزات ما، کارفرمایان همراه با دولت بدون لحظه ای شک و تردید برنامه های خود را علیه ما کارگران افزایش و ادامه دادند و اگر به ندرت هم موفق شدیم اندکی افزایش دستمزد یا هر خواسته دیگری را به دست آوریم دشمن چنان تورم و گرانی بالایی به ما تحمیل کرده است که آن پیروزی حتی به چشم نیامده است. پس در مقابل :

چه باید کرد ؟

طی تاریخ تجربه شده است که سرمایه داری و دولتهای آن از یک اعتصاب با برنامه ولو کوچک و دارای رهبری تشکیلاتی و از یک راه پیمایی یا تحصن دارای برنامه مشخص و رهبری متشکل سازمانی صدها بار

بیشتر از تظاهرات گسترده و حتی میلیونی پراکنده خیابانی و حتی شورشهایی که باعث تغییر دولتها می شود می ترسد . پس آنچه طبق تجربه تاریخی ، راه چاره ی ما کارگران است :

وحدت و تشکیلات است .

اولین سنوال این است که چرا هر چه مبارزه می کنیم وضعیت بدتر می شود ؟ پاسخ این سنوال ساده است ما هر چه تلاش می کنیم دشمن بیشتر از ما دقت و تلاش مقابله جویانه دارد. سنوال بعدی این است که چرا با وجود اینکه اعتراضات داخلی و جهانی کارگران هر روز گسترده تر و بیشتر می شود ولی دشمن (سرمایه داری و دولتهای آن) نه تنها عقب نشینی نمی کند بلکه با سرعت و گستردگی بیشتر طرح های ضد کارگری مانند اخراجها، قراردادهای موقت ، دستمزدهای معوقه ، حذف یارانه ها ، خصوصی کردن بهداشت و درمان ، خصوصی کردن آموزش و... را اعمال می کند ؟ پاسخ این سنوال نیز این است که چون دشمن طی ۲۰۰ سال گذشته از مبارزات میان دو طبقه تجربه کرده است که مبارزات خود به خودی و پراکنده و بدون برنامه مشخص انقلابی و بدون سازماندهی سراسری هر چقدر هم گستردگی و شدت داشته باشد نه تنها هیچ پیروزی را به دست نمی آورد بلکه بیشتر باعث یأس و ناامیدی طبقه کارگر می شود . در همین حین دشمن طی صد سال گذشته توانسته است با برنامه ای منظم خود ، بسیاری از تشکل های کارگری را به مسیر سازشکاری بکشاند . ضمن ایجاد تفرقه در میان انواع مختلف تشکیلات های کارگری بخشی از آنها را تحت سلطه در آورد و از آنها علیه بقیه تشکیلاتهای کارگری استفاده نماید به همین دلیل است که دولتهای سرمایه داری حتی درست در زمانی که اعتراضات کارگران در خیابان ها ادامه دارد بدون ترس و واهمه همچنان به طرح های ضد کارگری خود ادامه می دهند و حتی به شدت آنها می افزایند ، چون از مبارزات خیابانی کارگران با چنین حالت پراکنده و بدون تشکیلات هیچ ترس و واهمه ای ندارند از یک اعتصاب کوچک در محل کار بیشتر واهمه دارند تا مبارزه گسترده خیابانی .

کارگران ، هم طبقه ایها ، فعالین کارگری با دست روی دست گذاشتن و منتظر عروج تشکل های زیبایی کارگری ماندن و دست و پا زدن در درون جو خود به خودی جز خدمت به سرمایه داری هیچ به دست نخواهیم آورد، که فقط به درد آرایش ویتزین سرمایه داری می خورند باید آستین ها را بالا بزنیم و طبقه کارگر را برای مبارزه سازمان یافته ، دوری جستن از هر گونه خود به خودیسم ، دوری جستن از شعارهای زیبا ولی پوچ ، مسیر سازمان یابی انقلابی طبقه کارگر را هموار کنیم .

فراموش نکنیم :

اگر هر کارخانه ای یا اداره و محله ای یک تشکل کوچک ولی با برنامه داشت هرگز دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی نمی توانست طرح حذف یارانه ها را پیاده کند . هرگز نمی توانست و نمی تواند از کارفرمایان در مقابل تعویق دستمزدها حمایت کند و هرگز نمی تواند اخراجهای دسته جمعی را مستقیم و غیر مستقیم به کارگران تحمیل کند ، هرگز نمی توانست استخدام رسمی را به قرار داد موقت تبدیل کند . من هم می پذیرم که سرکوب و شدت آن تاثیر منفی عمیقی در مقابل مبارزات طبقه کارگر دارد، اما وجود سرکوب و هرچه شدیدتر شدن آن نه تنها نمی تواند دلیل عدم مبارزه یا توجیه شکست باشد، بلکه خود سرکوب و شدت آن ضمن اینکه دلیل ترس شدید سرمایه داری از طبقه کارگر است، باید باعث کنکاش و یافتن راه حل های مبارزاتی باشد. اینجا از خود باید بپرسیم طبقه کارگر چه چیزی دارد، که سرمایه داری از ترس آن هر روز به شدت سرکوب می افزایشد. باید به آن چه که باعث ترس و وحشت سرمایه داری است، دست پیدا کنیم. من اعتقاد دارم آن چیزی که سرمایه داری می ترسد متشکل شدن کارگران در جهت همبستگی طبقاتی و سراسری کردن مبارزات خود است (یعنی وحدت و تشکیلات)، باید به پذیریم که سرمایه داری و دولت محبوبش، جمهوری اسلامی وظیفه طبقاتی خود را برای حفظ منافع طبقاتی خود، از طریق سرکوب سیستماتیک و عریان انجام می دهند. بنا براین در خواست عدم سرکوب از آنها نه تنها مبارزه طبقاتی نیست، بلکه تن دادن به سازش طبقاتی خواهد بود. همچنین عدم گسترش مبارزه به دلیل وجود و شدت سرکوب بهانه برای تسلیم و پاسیو شدن است، چرا که سرکوب با اشکال مختلف در مبارزات طبقاتی، وظیفه ذاتی و سرنوشت ساز طبقه حاکم است و با هیچ موضوع اخلاقی نمی توان از آن جلوگیری کرد. تنها راه جلوگیری از سرکوب، یافتن راه حلهای جدید متشکل

شدن منطبق با اصول و گسترش آن در تمامی سطح طبقه و افشای هر چه گسترده تر ابزارها و عوامل سرکوب است. یعنی وظیفه ما کارگران نشان دادن و افشای هر چه بیشتر سرکوبها است، که ضمن رسوا کردن هر چه بیشتر عوامل سرمایه داری و آگاه کردن توده ها و زدودن توهم آنها نسبت به عوامل گوناگون سرمایه داری، پیدا کردن راه حل های جدیدی برای هر چه متشکل تر و متحدتر شدن بخش های مختلف طبقه کارگر است که باید تبلیغ و ترویج کنیم، تا از این طریق ضمن به دست آوردن قدرت همبستگی طبقاتی همزمان ابزار های سرکوب دشمن را کندتر و کند تر نمائیم.

به یا داشته باشیم زمانی که سندیکا های کارگران شرکت واحد و هفت تپه یا هر کدام از بخش های دیگر دست به اعتصاب زدند، اگر کارگران کارخانه ها و شرکت های دیگر به حمایت از اعتصاب و مطالبات آنها دست به اعتصاب یا حمایت های عملی دیگر می زدند، هرگز سرمایه داری و دولت محبوبش نمی توانستند آنها را سرکوب کنند.

پس نتیجه می گیریم هرگاه کارگران بتوانند برای بدست آوردن مطالبات خود هماهنگ و متحدانه دست به اعتراض یا اعتصاب بزنند، یا از اعتراض و اعتصاب یک بخشی که شروع شده است، به صورت متحدانه دست به حمایت های عملی بزنند، پیروزی های بسیار و ماندگارتری بدست می آورند. این طریق عمل کرد را مبارزه متحدانه و همبستگی طبقاتی می نامیم. همچنین باید بدانیم وحدت و همبستگی طبقاتی از غیب و ناگهانی ممکن نیست و هرگز نمی توان بدون تشکیلات، مبارزه ثمر بخش داشت، و وحدت طبقاتی را بدست آورد، با توجه به این که سرمایه داری و دولت محبوبش بخصوص در ایران به دقت و با تمام وجود تلاش دارد، اجازه متشکل شدن که قدم اول و شاه بیت پیروزی های بعدی طبقه کارگر است، را ندهد. پس باید به پذیریم تنها راه این است که هر کارگر و فعال کارگری آگاه به سازمان یابی و سازمان دهی طبقاتی، بدون فوت وقت باید در محل کار و زندگی خود بدون تن دادن به اعمال چهره سازی و چهره شدن و بدون گرفتار شدن در کیش شخصیتی و بدون تن دادن به خود به خودیسم و تنوری بقاء، با دوستان خود اقدام به متشکل شدن در تشکل های کارگری ولو کوچک در محل کار و زندگی خود کرده، پس از سازمان یابی خود، اقدام به سازمان دهی بقیه کارگران نمایند. چنین تشکل های انقلابی می توانند منافع طبقاتی کارگران را دنبال کنند، بدون ذره ای شک و تردید و بدون گرفتار شدن در خواسته های پیش پا افتاده بخشی کارگران، خیلی سریع به سوی همبستگی و برقراری پیوند میان خود(بقیه تشکل های مانند خود در دیگر کارخانه ها و محلات) و سراسری شدن مبارزه گام خواهند برداشت، که از پیوند میان آنها در کارخانه ها و محله های مختلف به یک حرکت گسترده تشکیلاتی سراسری دست خواهیم یافت، فشار مبارزاتی متشکل آنها باعث کندتر شدن ابزار های سرکوب شده، سرمایه داری و دولت محبوبش (جمهوری اسلامی) را مجبور به پذیرش تشکل های چون سندیکا و اتحادیه و ... خواهد کرد. هرچند ممکن است مانند حالا سرمایه داری شدت سرکوبها و حاصل محاکمات با اتهامات دروغین را بسیار شدیدتر کند، چون می بیند که برخی از فعالین جواب درست را(که وحدت و تشکیلات است) پیدا کردند، اما باید بدانیم، این افزایش سرکوب دلیل درستی راه است که با بیشتر شدن رهروان آن سرمایه داری شکست را پذیرفته و از ترس مرگ، راه را برای سندیکا ها و اتحادیه ها باز خواهد کرد. چنین طریقه عمل کردن، تنها جواب صحیح به سنوالات بی جواب طبقه کارگر است.

تنها چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

گسترده تر باد همبستگی جهانی کارگران

شاهرخ زمانی از زندان مرکزی تیریز

۱۳۹۱/۱/۲۹